

تروریسم از دیدگاه اسلام

محمد رضا حاتمی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۸

تاریخ تصویب: ۹۰/۵/۲۹

چکیده

موضوع «تروریسم» همواره در حوزه‌ی علم سیاست و به ویژه در مناسبات و روابط بین‌الملل به عنوان موضوع مهم و در خور توجه مطرح بوده است؛ تا اینکه بعد از حادثه‌ی تروریستی یازده سپتامبر توجه به پدیده‌ی تروریسم در اولویت قرار گرفت و این موضوع به اصلی‌ترین بحث کنفرانس‌های سیاسی و رسانه‌های گروهی جهان واقع شد. این حادثه‌ی تاریخی و فراموش نشدنی، به عنوان نقطه‌ی عطفی در نظام بین‌الملل، مفهومی جدید و نگرشی نو به موضوع تروریسم بخشید. و از آنجا که تروریست‌های ۱۱ سپتامبر همگی مسلمان و از کشورهای عربی بودند؛ رسانه‌های گروهی غرب که بیشتر تحت تأثیر بنگاه‌ها و محافل یهودی و صهیونیستی قرار دارند، تلاش‌های خود را برای اثبات ماهیت تروریستی دین اسلام و دست داشتن مسلمان‌ها و از جمله اعراب در این حملات انتحاری مصروف داشته‌اند. در بیشتر تفاسیر و تحلیلهای خود نیز

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (hatami5@yahoo.com)

جهاد اسلامی را مترادف با تروریسم معرفی می‌کنند؛ به گونه‌ای که بسیاری از غربی‌ها ضمن مرتبط دانستن تمدن اسلامی با تروریسم، عقبه‌ی حوادث و رویدادهای تروریستی معاصر را تفکرات و اندیشه‌های اسلامی می‌دانند. لذا در این مقاله تلاش می‌شود ضمن ارائه‌ی تعریفی از تروریسم و اشاره‌ی مختصر به سابقه‌ی تاریخی آن، از منظر دینی و اسلام این موضوع مورد بحث و تدقیق قرار گیرد و ضمن تعریف و تحدید آن با توجه به آیات قرآن، احادیث، روایات و سنت و سیره‌ی نبوی، نهایتاً براءت اسلام از اندیشه‌های تروریستی، تفاوت و تمایز آن با مقاومت مشروع مشخص و معین گردد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، اسلام، حادثه ۱۱ سپتامبر، جهاد اسلامی، تمدن اسلامی، رسانه‌های گروهی غرب.

مقدمه

معنی لغوی ترور و تروریسم

ترور terror به معنی دهشت و دهشت افکنی، کشتن ناگهانی و غافل‌کشی واژه‌ای فرانسوی است که ریشه در انقلاب فرانسه و حکومت ارباب و وحشت پس از آن دارد و سپس وارد سایر زبان‌ها از جمله فارسی و عربی شد. از واژه‌هایی مانند ارهاب، فتک، اغتیال، و محاربه می‌توان به عنوان معادل‌های تروریسم در زبان عربی نام برد. دهخدا در لغتنامه اینطور آورده است: «ترور مأخوذ از Terreur و به معنای قتل سیاسی به وسیله‌ی اسلحه در فارسی متداول شده است و تازیان معاصر إهراق را به جای ترور به کار می‌برند و این کلمه در فرانسه به معنای وحشت و خوف آمده و حکومت ترور هم اصول حکومت انقلابی است که پس از سقوط ژیروندن‌ها (از ۳۱ مه ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴م) در فرانسه مستقر گردید و اعدام‌های سیاسی فراوانی را متضمّن بود» (دهخدا، ۱۳۴۳: ۶۳۶).

براساس تعریفی که از تروریست در المعجم الوسیط ارائه شده، آنان را کسانی خوانده است که راه خشونت را برای تحقق اهداف سیاسی شان می‌پیمایند (انیس و دیگران، ۱۴۱۰ق: ۳۷۶).

در فرهنگ عمید نیز چنین آمده است «ترور - terreur ترس زیاد، بیم، هراس، خوف، وحشت. و در اصطلاح سیاست: کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجاد رعب و وحشت میان مردم. تروریسم - terrorism روش کسانی که آدمکشی و تهدید مردم و ایجاد خوف و وحشت را به هر طریقی که باشد، برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود از قبیل تغییر حکومت یا در دست گرفتن زمام امور، لازم و مباح می‌دانند (عمید، ۱۳۶۳: ۴۳۱).

مفهوم اصطلاحی تروریسم

تروریسم که در فارسی از آن با عنوان دهشت‌افکنی یا هراس‌افکنی نام برده شده است، به هرگونه عملکرد یا تهدید برای ترساندن و یا آسیب رساندن به شهروندان، حکومت و یا گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی گفته می‌شود. در فرهنگ علوم سیاسی سه تعریف از تروریسم ارائه شده است:

۱. نظام حکومت ترور و اعتقاد به لزوم آدم‌کشی و ایجاد وحشت در میان مردم و یا نظام فکری که هر نوع عملی را برای رسیدن به هدف سیاسی مجاز می‌شمارد.
۲. کاربرد نظام‌مند ترور، به ویژه به عنوان وسیله‌ی اجبار، یا روا شمردن اقدامات دارای ماهیت وحشت‌آفرین در اذهان عامه و گروه‌های انسانی، مثل تروریسم انقلابی برای ساقط کردن حکومت، تروریسم ظالمانه برای حفظ حکومت یا دفاع از آن، تروریسم شبه انقلابی که از ترور برای نیل به هدف‌هایی مثل وادار کردن حکومت به تغییر سیاست یا در واکنش به سیاست حکومت استفاده می‌کند.

۳. «تروریسم» به معنای مبارزه‌ی تروریستی روشن‌فکران انقلابی جدا از توده‌ها؛ عبارت است از: یک جریان خرده بورژوایی که در مرحله‌ای از جنبش انقلابی در اروپا ظاهر شد (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹: ۵۸۳).

پل ویلیکینسون در کتاب «تروریسم و دولت آزاد» در بیان ویژگی‌های تروریسم به مؤلفه‌هایی از قبیل وجود جو ترس و ارعاب و تهدید، غیرقابل پیش‌بینی بودن، و استفاده از روش‌های وحشیانه مانند بمب‌گذاری با ماشین و بمب پستی اشاره کرده و می‌افزاید: هدف تروریست‌ها همه‌ی انسان‌ها هستند و هیچ کس از حوزه‌ی این ارعاب و تهدید و خطر بیرون نیست و اهداف کور و بدون شناسایی دقیق و فارغ از تفاوت انتخاب می‌شوند» (Wilkinson, 1986: 51-56).

یکی از تعاریف ارائه شده برای پدیده‌ی تروریسم را به کارگیری سازمان یافته‌ی خشونت یا تهدید به منظور تحقق اهداف سیاسی یا عمومی می‌داند. این عمل دارای اهداف سیاسی یا عقیدتی است و از جانب دولت‌ها، گروه‌ها، یا افراد صورت می‌پذیرد (عبدالرحیم، ۲۰۰۱: ۶).

محقق معروف «رابرت گر» در کتاب WHY MEN REBEL این موضوع را تحت عنوان خشونت سیاسی آورده است. و ضمن تقسیم بندی خشونت‌های سیاسی به سه دسته‌ی آشوب، توطئه، و جنگ‌های داخلی، تروریسم را از مصادیق «توطئه» می‌داند. به نظر وی در عملیات تروریستی دو ویژگی عمده وجود دارد، یکی آنکه خشونت سیاسی در اعلی مرتبه ممکن و در سطحی بسیار بالا دیده می‌شود، دوم آنکه مشارکت مردمی در این عملیات بسیار محدود و کاملاً مخفیانه و سری است (اکبر، ۱۳۶۶: ۶).

برخی تحلیل‌گران، تروریسم را ابزاری برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سیاسی می‌دانند که جایگزین جنگ شده است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر تروریسم دولتی با توجه به پیشرفت‌های صنعتی و تبلیغاتی موجود، پا از اقدامات تروریستی مستقیم فراتر

گذاشته و انواع جدیدی از تروریسم مثل تروریسم تبلیغاتی، اقتصادی، فکری و بهداشتی را دربر می‌گیرد (الاتحاد، ۱۹۹۱/۸/۲۸).

پل ویلکینسون تروریسم را نتیجه‌ی خشونت‌های افراطی می‌داند که به منظور رسیدن به مجموعه‌ای از اهداف سیاسی مشخص انجام می‌گیرد. وی تروریسم را از انواع خشونت‌های سازمان یافته دانسته که این نوع خشونت نه به عنوان یک فلسفه و مبانی فکری، بلکه بیشتر یک ابزار برای پیشبرد اهداف خاص سیاسی محسوب می‌شود، یعنی تروریسم متد و ابزاری است که توسط گروه‌های دولتی و فرادولتی برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده‌ی سیاسی به کار گرفته می‌شود، در واقع تروریسم سیاسی ابزاری در جهت اعمال نفوذ در رفتارهای سیاسی در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و شاید از این بابت تروریسم می‌تواند با دیگر اشکال منازعه، چون درگیریهای ارضی، مرزی، قومی، نژادی، مذهبی و منطقه‌ای در قالب منازعات کنوانسیون‌ی و حتی غیرکنوانسیون‌ی مرتبط باشد (Wilkinson, 1992).

اما به اعتقاد تورنتون، تروریسم نوعی استفاده سمبلیک از ارباب با هدف تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی است. به نظر وی تروریست‌ها احساس هراس ناشی از قربانی شدن افراد یا ترس از وقوع کشتار احتمالی و همچنین تأثیرات خشونت یا تهدید به استفاده از آن علیه جامعه را به نفع خود به کار می‌گیرند (اسماعیل الغزال: ۱۲).

تروریسم دولتی

جامعه‌ی جهانی با دو نوع تروریسم فردی و دولتی مواجه است. منظور از تروریسم فردی، تشکیلاتی است که مستقیم مرتکب عمل تروریستی می‌شوند و صرف نظر از قوانین کشورهای محل استقرار خود، مطابق قانون بین‌المللی مورد مجازات قرار می‌گیرند؛ اما تروریسم دولتی زمانی شکل می‌گیرد که یک کشور اصول اساسی و احکام ثابت قانون

بین‌المللی را زیر پا بگذارد. در نتیجه کشوری که مستقیم یا غیرمستقیم به یک عمل تروریستی مبادرت می‌کند، در برابر قانون بین‌المللی و مجازات‌ها و غرامت‌های در نظر گرفته‌شده در این قانون مسئول خواهد بود (عزیزی شکری، ۱۹۹۰: ۱۰۴).

بنابراین در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور دولتی می‌گویند. ترورکردن روش حکومت‌هایی است که با بازداشت و شکنجه و انواع آزارهای غیرقانونی، از راه پلیس سیاسی مخفی، مخالفان را سرکوب می‌کنند و می‌هراسانند، و یا روش دسته‌های راست یا چپی است که برای افکندن یا هراساندن دولت به آدمکشی و آدم‌زدی و خرابکاری دست می‌زنند. معذک واژه‌ی تروریسم دولتی واژه‌ای جنجال برانگیز است. تروریسم دولتی اصطلاحی است که برای دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر که به وسیله‌ی اجرا یا مشارکت در عملیات تروریستی یا حمایت از عملیات نظامی برای زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور یا کل دستگاه حاکمه‌ی آن کشور انجام می‌شود، اطلاق می‌گردد. کمکهای مادی و معنوی (مثل حمایت سیاسی) به گروه‌های مخالف و مشارکت در عملیاتی چون بمبگذاری، مین‌گذاری بنادر و سواحل، آدم‌ربایی، هواپیمادزدی و ترور مقامهای عالی مملکتی، نمونه‌هایی از تروریسم دولتی است. براین جنکینس که از خبرنگاران مشهور در معضل تروریسم است، از تروریسم دولتی به عنوان «جنگ از طریق قائم مقام» یاد می‌کند. وی می‌گوید: «این کشورها (پیروان تروریسم دولتی) بر محدودیتهای جنگهای متعارف واقف‌اند. بنابراین ترجیح می‌دهند از امکانات سازمانهای تروریستی، که خود راساً آنها را ایجاد کرده‌اند یا تغذیه مالی آنها را بر عهده دارند، برای تهدید دشمن یا اخلال در ثبات سیاسی و اقتصادی آن کشور یا ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در آن مملکت بهره‌گیرند». جنکینس معتقد است که این شکل از تروریسم به سرمایه‌گذاری بسیار کمتری نسبت به یک جنگ متعارف نیاز دارد، دشمن را از پای می‌اندازد و می‌توان

ارتباط با تروریست‌ها را به طور کلی منکر شد. تفاوت عمده‌ی تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی در مجری آن است؛ بدین معنی که مجری و طراح اعمال تروریستی غیردولتی افراد، گروه‌ها و احزاب‌اند، و مجری و طراحی اعمال تروریستی دولتی، یک دولت یا چند دولت خاص هستند. علاوه بر این دخالت دولت یا دولت‌ها در اعمال تروریستی دو گونه است: به صورت مستقیم؛ یعنی خود دولت اعمال تروریستی را علیه دولت دیگر انجام می‌دهد. به صورت غیرمستقیم؛ یعنی به وسیله‌ی فرستادن کمک‌های مادی مانند این که اسلحه، مهمات و وسایل پیشرفته نظامی در اختیار گروه‌های مخالف دولت مذکور قرار داده شود یا چتر حمایت معنوی از گروه‌های مزبور مانند حمایت سیاسی یا اقتصادی یا تبلیغاتی گسترده شود. خاطرنشان می‌سازد که از دهه‌ی ۵۰ تا کنون، اختلافات در مورد متمایز کردن این دو نوع تروریسم در سازمان ملل ادامه دارد. معذک با وجود تلاش‌های سازمان ملل برای کنترل پدیده‌ی تروریسم که آغاز آن به صدور قطعنامه «اصول حقوق بین‌المللی» در سال ۱۹۴۶ برمی‌گردد، آنچه امروزه موجب نكوهش این سازمان شده، کوتاهی بیش از اندازه در ارائه‌ی تعریفی روشن از تروریسم بین‌المللی است که مورد توافق همه‌ی کشورها باشد.

به طور خلاصه به پدیده‌ای عنوان تروریسم اطلاق می‌شود که شاخصها و ویژگیهای

مشترک زیر که بیشتر مورد تأکید متفکرین و اندیشمندان قرار گرفته است را دارا باشد:

۱- ایجاد ترس و وحشت

نخستین ویژگی این تعاریف چشم‌انداز روحی و روانی تروریسم است که با هدف کاشتن بذر رعب و وحشت در دل‌ها و نیز تحقق اهداف معین صورت می‌گیرد. در دیگر انواع خشونت، ایجاد وحشت و ترس هدف اصلی مجرم نیست، بلکه ترس به طور ثانوی و متفرع بر آن است ولی در ترور ایجاد ترس و وحشت در قربانی و دیگران هدف اصلی است.

۲- طبیعت کورکورانه ترور

حملات تروریستی طبیعتی کورکورانه دارد بطوریکه میان زن و مرد، کودک و بزرگ، نظامی و غیرنظامی تفاوتی قائل نمی‌شود. ریمون آرون در این خصوص می‌گوید: «اینکه ترور تمایزی میان انسان‌ها قائل نیست، به‌ایجاد ترس و وحشت کمک می‌کند؛ زیرا اگر تروریسم هدف یا شخص خاصی را در نظر نگیرد، همه در معرض خطر آن قرار خواهند گرفت» (دلالت و مشعلاتی، ۱۳۸۶: ۴۰۷).

۳- غافلگیر کننده بودن و پنهانی بودن ترور

ترور مبتنی بر اصل غافلگیری و پنهانی بودن است و اصولاً ترور را غافل‌کشی نیز معنا کرده‌اند. عملیات تروریستی به حدی ناگهانی و پنهانی است که قدرت پیش‌بینی زمان و مکان وقوع آن برای کسی آسان نیست. بنابراین استفاده از عامل غافل‌گیری به تروریست‌ها فرصت می‌دهد تا زمان و مکان حمله‌ی را خود انتخاب کنند.

۴- اهداف سیاسی

هدف عملیات تروریستی، معمولاً ایجاد تغییر در اوضاع و شرایط موجود و رسیدن به مقاصد و اهداف خاص سیاسی است. بنابراین ماهیت حملات تروریستی سیاسی است و اعمال خشونت آمیزی که در پی وصول به هدف سیاسی نباشد را نمی‌توان تحت عنوان تروریسم آورد.

۵- سازمان یافتگی

عملیات تروریستی به شدت و در سطحی بسیار بالا سازمان یافته و طراحی شده است.

۶- خشونت

یکی از ویژگی‌های اصلی تروریسم، خشونت است. در حقیقت عملیاتی که با خشونت و کاربرد سلاح و یا تهدید همراه نباشد نمی‌توان عنوان تروریسم بر آن اطلاق کرد. لذا

تیراندازی یک سارق، اعتصابات و یا راهپیمائی‌های خیابانی در مقوله‌ی تروریسم نمی‌گنجد.

۷- مشارکت کم

به رغم انقلابها و شورشهای خیابانی که سطح گسترده‌ی وسیعی از مردم در آن شرکت دارند، معمولاً در عملیات تروریستی تعداد کمی از افراد در پس ترور قرار دارند.

۸- جهت‌گیری عمومی

هر چند افراد شرکت‌کننده در یک عملیات تروریستی محدود و اندک است ولی عموم مردم به نحوی در شمول و دایره‌ی این اقدام قرار می‌گیرند. در حقیقت افراد ترورکننده انتظار دارند تا عملیات آنها بازتاب وسیعی در سطح جامعه داشته‌باشد. در واقع، هدف قربانی نیست، بلکه هدف عموم به مثابه یک کل است (Davidc.Rapoport, 1992: 1062). در همین چارچوب ریمون آرون می‌نویسد: آنچه ما آن را عمل تروریستی می‌نامیم، اعمال خشونتی است که آثار روانی آن بر آثار مادی محض آن می‌چربد؛ زیرا هدف تروریسم تنها محدود به کشتن افراد یا تخریب اموال نمی‌شود، بلکه با استفاده از خشونت سازمان یافته می‌کوشد تا مردم را چنان وحشت‌زده کند و دل‌ها را چنان متزلزل سازد که قدرت مقاومت و تفکر را از آنها سلب کند.

بررسی و نقد تروریسم از دیدگاه اسلام

همانطور که گفته شد ترور به معنای کشتن ناگهانی و برخاسته از تحولات انقلابی فرانسه است که متعاقباً این واژه وارد زبانهای عربی و فارسی شد. بدون تردید، اصطلاح «تروریسم» از اصطلاحات جدیدی است که در زمان صدر اسلام، سخنی از آن در میان نبوده است، اما تعبیراتی را درایات، روایات و عبارات فقها می‌توان یافت که حکایت از آن دارد که اسلام برای این بخش از زندگی انسان‌ها نیز تدابیری اندیشیده است. عباراتی نیز در

متون دینی اسلامی وجود دارد که به عنوان معادل‌های واژه‌ی تروریسم و یا حداقل مفهومی برابر و یا نزدیک به این واژه به کار می‌رود، که در این قسمت، تلاش می‌شود این مفاهیم مورد اشاره و بررسی قرار گیرد. در زبان عربی و متون اسلامی از کلماتی چون فتک، اغتیال، ارباب و محاربه به عنوان معادله‌ای آن می‌توان نام برد که در اندیشه‌ی سیاسی اسلام به هر صورت و تحت هر شرایط ممنوع و حرام است.

آنچه در قرآن کریم و سنت شریف نبوی آمده، واژه‌ی «ترهیب» به معنای ایجاد خوف و ترساندن است. اگر به متون اسلامی مراجعه کنیم، خواهیم یافت که ترساندن از ماهیتی دوگانه - مثبت و منفی - برخوردار بوده؛ از یک سو اخافه و ترساندن مؤمن و مؤمنان و ایجاد خوف و هراس در جامعه‌ی اسلامی از گناهان بزرگ و مقابله با عاملان آن واجب و ضروری است. و از سوی دیگر معیار تنظیم سیستم دفاع نظامی در اسلام بر مبنای ترساندن دشمنان خدا و خلق نهاده شده است. کلمه‌ی ترهیبون در آیه مشهور «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهیبون به عدو الله و عدوكم و اخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم»^۱ به کار رفته است که معنای آیه این است که: «و در برابر آنها آنچه توانستید از نیرو و اسبان بسته (عده و از جمله وسایط نقلیه مناسب) فراهم کنید و از نیروها بهره‌گیری تا بدینوسیله دشمنان خدا و دشمنان خود و دشمنان دیگری را غیر آنها که شما آنها را نمی‌شناسید و خداوند آنها را می‌شناسد را بترسانید (که علیه خدا و شما دست به تهدید و تهاجم نزنند)» لذا ملاحظه می‌شود که خداوند به این وسیله جامعه‌ی اسلامی را موظف می‌کند تا آنجا که ممکن است از «دشمنان» آسایش روانی را سلب کنند و به آمادگی نظامی و دفاعی بیاورند و در تحصیل آن بکوشند. در واقع هدف از این رعب و وحشت جلوگیری و پیش‌گیری از وقوع جرم و تجاوز دشمن است که خصلت بازدارندگی دارد. البته در آیات دیگری نیز مشتقات ارباب آمده است که غالباً دلالت بر خوف دارد. ولی باید

۱. سوره انفال، آیه ۶۰.

توجه داشت که هیچ یک از آنها به مفهوم «إرهاب» یا «إرهابیون»، که در حال حاضر در جهان سیاست مصطلح است، اشاره‌ای ندارد و معنایی کاملاً متفاوت با این دو واژه دارد. برای اثبات این مطلب، به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

۱. (یا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ

فَارْهَبُونِ) (بقره: ۴۰)؛ ای فرزندان اسرائیل! نعمت‌هایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید و به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم و تنها از من بترسید. در این آیه شریفه، «فَارْهَبُونِ» به معنای خوف و ترس از خداوند است.

۲. (وَ قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ) (نحل: ۵۱)؛ و خدا

فرمود دو معبود برای خود مگیرید. جز این نیست که او خدایی یگانه است. پس تنها از من بترسید. در اینجا نیز «فَارْهَبُونِ» بدین معناست که از عقاب خدا بترسید و واهمه‌ای از دیگران نداشته باشید.

۳. (قَالَ الْقَوْمُ فَلَمَّا آلَقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ) (اعراف: ۱۱۶)؛

گفت: شما بیفکنید، و چون افکندند دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند. در اینجا نیز «اسْتَرْهَبُوهُمْ» بدین معناست که ساحران مردم را به ترس و هراس انداختند.

از موارد یاد شده، می‌توان دریافت که این آیات واژه لغوی «إرهاب» را در نظر داشته‌اند و به هیچ وجه، اصطلاح کنونی «إرهاب» به معنی تروریسم مدنظر نبوده است. همچنین با توجه به آیات ذکر شده، می‌توان به این نتیجه دست یافت که مشتقات «رهب» در قرآن کریم، به هیچ وجه بار منفی ندارد، اما واژه‌ی «إرهاب»، که اکنون در ادبیات سیاسی جهان مصطلح شده، دارای بار منفی است. بر این اساس نمی‌توان تروریسم را در مورد این واژه با توجه به نص قرآنی صادق دانست. واژه‌های دیگری که معادل ترور و تروریسم به

کار می‌روند، واژه‌های فتک، غیله و محاربه‌اند که هر سه از نظر اسلام مردود شمرده شده‌اند.

فتک: برای توضیح این واژه، که مفهومی نزدیک به تروریسم دارد، ابتدا به بیان معنای لغوی آن پرداخته و سپس به برخی از روایات مربوط به آن، اشاره خواهد شد:

جوهری در کتاب لغت خود، درباره این واژه می‌نویسد: «والفتک: أن يأق الرجل صاحبه وهو غار غافل حتى يشد عليه فيقتله^۱؛ فتک آن است که کسی بر همراه خود وارد شود و در حالی که او غافل است، به طور ناگهانی او را به چنگ‌اندازد و به قتلش برساند. به معنی در جایی پنهان شدن و کسی را بی‌محابا کشتن است که اسلام آن را مردود می‌داند. در قرآن کریم در مورد حرمت فتک آیه‌ای نیامده، اما در سنت و سیره‌ی نبوی در این مورد روایاتی ذکر شده است. در این باره از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «ان الايمان قيد الفتك و لا يفتك المومن» یعنی ایمان مانع ترور است و مومن به طور ناگهانی کسی را نمی‌کشد (تاریخ طبری: ۲۷۱).

در روایتی دیگر از پیامبر گرامی (ص) از جمله علائم آخرالزمان، افزایش فتک دانسته شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی در معراج بودم، مواردی را دیدم. گفتم اینها چیست؟ گفتند اینها علائم آخرالزمان است. پرسیدم کی این اتفاق می‌افتد؟ در جواب گفته شد آخرالزمان وقتی است که در جامعه علم حاکم نباشد... و جاهلان امکان عمل یابند و فتک افزایش یابد (بحار الانوار: ۷۰).

در روایت دیگری نیز پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «ليس في الاسلام ايماء ولا فتك، إن الايمان قيد الفتك»؛ در اسلام ايماء و فتک جایی ندارد. همانا ایمان فتک را در زنجیر کرده است. در برخی روایات، حکم ترویس‌ها نیز مشخص شده است و این امر حکایت

۱. اسماعیل بن حماد الجوهري، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق احمد بن عبد الغفور عطار، ط. الرابعه، بيروت: دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۶۰۲.

از اهمیت جان و مال انسان‌ها در پیشگاه عدل الهی دارد. بر اساس برخی روایات، اگر کسی غافلگیرانه بر مؤمنی وارد شود تا او را به قتل رساند و یا اموال او را به غارت ببرد، در این حالت خون آن مهاجم بر مؤمن حلال است و می‌تواند او را به قتل رساند: «وَمَنْ فَتَكَ بِمُؤْمِنٍ يَرِيدُ مَالَهُ وَنَفْسَهُ فِدْمَهُ مَبَاحٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي تِلْكَ الْحَالِ»؛ کسی که غافلگیرانه بر مؤمنی وارد شود به گونه‌ای که اراده‌ی جان یا مال او را نماید، خون او در آن حال، بر مؤمن مباح است.

غیله: واژه‌ی دیگری را که می‌توان در ذیل واژه‌ی فتک مطرح کرد و به نوعی آن را مترادف واژه‌ی فتک دانست واژه‌ی غیله است. لغت نامه المنجد، غیله را مکر، فریب و نیرنگ، غافلگیرکردن و کشتن، ترور و ترورکردن معنا کرده است. بنابراین غیله و اغتیال نیز به معنای ترور و ترورکردن است. که این نیز از نظر اسلام مردود می‌باشد. در دعایی متعلق به حضرت فاطمه زهرا(س) آمده است: «خدایا به تو پناه می‌برم از غیله اغتیال گران».

محاربه: واژه‌ی دیگری که در متون اسلامی آمده و مفهوم ترور و تروریسم بر آن قابل اطلاق است، واژه‌ی محاربه است. در بحث لغوی و شرح لفظ، واژه‌ی محارب به کسی اطلاق می‌شود که با اسلحه مردم (الناس) را بترساند و قصد ایجاد فساد داشته باشد. اگر تعریف محاربه را ملاحظه کنیم نزدیکی این مفهوم نیز با تروریسم به خوبی آشکار می‌شود. مرحوم محقق حلی در شرایع، محارب را این گونه تعریف می‌کند: «محارب آن کسی است که سلاح را برهنه سازد به جهت ترسانیدن مردم چه در بیابان و چه در دریا، در شب یا روز در شهر یا غیر آن» (محقق حلی، ۱۳۶۲: ۱۸۸۸).

امام خمینی(ره) نیز قریب به همین مضمون معنا کرده‌اند: «محارب هر آن کسی است که شمشیرش را برهنه کند یا آن را تجهیز کند تا مردم را بترساند و می‌خواهد در

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج دوم، (قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.)، ج ۴، ص ۱۰۴، / محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج دوم، (بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.)، ص ۱۶۱

زمین افساد نماید، در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا در غیر آن، شب باشد یا روز.^۱

بنابر آنچه گفته شد به طور جدی می‌توان در تاریخ اسلام و جامعه‌ی اسلامی «جای پای تروریسم را دید که چگونه ضربه‌هایی به پیکره‌ی جامعه اسلامی وارد ساخته و حکومت دینی را به مقابله نیز کشانده است. حکومت اسلامی از دیرباز در تاریخ، خاطره‌ی تلخی از ترور و تروریسم داشته است و روی همین اساس مکانیزم خاصی را نیز برای رفع و مقابله با این خطر اجتماعی سیاسی اختیار کرده که از خلال احکام جزایی و مجازات‌های اسلامی می‌توان به آنها دست یافت.

در حالی که ایجاد رعب و وحشت به منظور افساد در زمین و اعمال هواهای فردی و گروهی و اعمال تعصبات و نظایر آن در فقه شیعه بر اساس قول خداوند تحت عنوان «محاربه» و «افساد فی الارض» محکوم و قابل پیگیری است. قرآن کریم از قتل مفسد فی الارض در کنار قصاص نفس به عنوان مجازات یاد کرده است و مجازات سخت و دردناکی را برای آنها پیش‌بینی نموده است.^۲ تروریسم چنان‌که در مفهوم آن بیان شد قطعاً از مظاهر افساد در روی زمین است و آن را باید مشمول مجازات‌های اسلامی دانست. از دیدگاه قرآن افساد کنندگان روی زمین همان کسانی‌اند که برخلاف میثاق الهی و عهد و پیمانی که با نظم «حقانی» و مورد پذیرش، بسته‌اند نقض پیمان کرده راه خود را برخلاف نظم اجتماعی برمی‌گزینند و به برهم زدن آن همت می‌گمارند و در این راه از توسل به هیچ ابزاری دریغ ندارند.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحدود.

۲. رک: سوره مائده آیات ۳۲ و ۳۳

در تعاریف نیز کلمه مردم (الناس) به معنای مطلق آن آمده، یعنی اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان لذا اگر کسی یک کافر و غیرمسلمان را نیز بترساند، محارب محسوب می‌شود. البته برخی از فقها آن را در دارالاسلام معتبردانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ۳۶۱).

توجه به تعریف محارب یا به تعبیری مفسد فی الارض، با عطف به شرط آن، روشن می‌سازد که لفظ ترور بر کلمه‌ی محارب قابل اطلاق است. و براساس آن تروریست، محارب و مفسد فی الارض محسوب می‌شود، و با توجه به اهمیت و اعتبار امنیت و آرامش در جامعه‌ی اسلامی، قرآن کریم برای محاربین مجازات سختی را مشخص کرده است. «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض، ذلك لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم»^۱.

بنابراین قرآن کریم چهار نوع کیفر برای محارب یا تروریست برشمرده است. اعدام، به صلیب کشیدن، بریدن دست یا نفی بلد و تبعید که حاکم شرع در جاری کردن یکی از این حدود بر محارب مختار است.

شأن نزول این آیه را مقابله با تروریست‌هایی دانسته‌اند که از مسلمانان دست و پا بریدند و چشمان آنها را درآوردند و دست به کشتار آنها زدند، شتران حامل زکات را غارت کردند و سپس از اسلام خارج شدند. پیامبر در مقابله با این گروه افسادگر که بر حکومت خروج کرده و امنیت را از جامعه‌ی اسلامی سلب کردند و ایجاد رعب و وحشت نمودند، دستور دادند آنان را دستگیر و نسبت به آنان مقابله به مثل نمودند.^۲

آیه ۲۱۷ سوره بقره که فتنه را بزرگ تر از قتل دانسته نیز در مورد محاربه است و عنوان فتنه نیز بر محاربه قابل اطلاق است. بنابراین واژه‌ی محاربه نیز مانند معادله‌های آن نوعی ترور محسوب می‌شود و مجازات محارب که موجد رعب و وحشت در جامعه

۱. سوره مائده، آیه ۳۳

۲. ر. ک: تفسیر نمونه، جمعی از دانشمندان، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۱۶، تهران، انتشارات اسلامیه، سال ۱۳۷۰، ص ۳۵۹ - ۳۵۸، و نیز ر. ک: تفسیر رازی، ابوالفتوح رازی، ج ۳، ص ۴۴۷، ۴۴۶، و نیز ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۹۴، ۱۳۳.

می‌شود و به نحوی امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد، بسیار سخت و مورد اجماع فقها است (فوزی، ۱۳۸۶: ۲۹۵-۲۹۴).

آیت الله عمید زنجانی می‌گوید: در فقه سیاسی «سلاح کشیدن» که معمولاً یکی از اعمال تهدید آمیز شمرده می‌شود، به عنوان یک جرم که مرتکب آن مستحق اعدام است، تلقی شده و با آن قاطعانه برخورد شده است. در آیه ۳۳ سوره مائده که مجازات شدید اعدام و تبعید برای محارب مشخص شده. موضوع و هدف ارباب و تهدید به صراحت ذکر شده، و به جز کیفر دنیائی وعده‌ی مجازات دردناکتر اخروی نیز داده شده است. قرآن در مجازات عاملان ترس و وحشت در جوامع بشری تا آنجا پیش می‌رود که آنان را شایسته بهره‌وری از امنیت که خود دشمن آن هستند نمی‌داند، و مقابله به مثل با آنان را تجویز و آنها را دشمن بشریت و محروم از امنیت معرفی می‌کند. «واعدو لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» حتی فقها خون کسی را که جان دیگری را تهدید کرده، مباح دانسته‌اند و تعرض به امنیت خانه‌ی همسایه را حتی اگر با نگاه کردن باشد، مجوز دفاع تا سرحد آسیب رساندن و ارتکاب قتل شمرده‌اند.^۱ در اسلام مسئولیت مقابله با تهدید و ارباب یک وظیفه‌ی همگانی (واجب کفائی) است که باید همه یکدست در برابر عوامل تهدید و ارباب بایستند و از مظلوم دفاع کنند و خصم ظالم باشند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۴۲۸).

به طور کلی ترور و ارهاب در اندیشه‌ی سیاسی اسلام به پنج دلیل مطرود و عملی به شدت ضد اخلاقی به شمار می‌رود.

اول، به سبب عهد و پیمان مکتوب یا نامکتوبی که فرد براساس آن، زندگی در اجتماع را پذیرفته و آن جامعه برای او حق زندگی قائل شده است. افراد - مسلمان و کافر - با تکیه و اعتماد بر آن عهد و پیمان، در جامعه احساس امنیت می‌کنند و به دلیل امنیت

۱. امام روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۴۸۷

تضمین شده خود، به زندگی در آن جامعه رضایت داده‌اند.

دوم، ترور نوعی حيله و نیرنگ است و دین مقدس اسلام از اساس حيله و نیرنگ را رد می‌کند و آن را به‌خصوص در عرصه‌های سیاسی اجتماعی امری مذموم و ناپسند می‌شمارد.

سوم، ترور ذاتاً عملی خشونت‌آمیز است و در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، خشونت از اساس طرد و رد شده است.

چهارم، ضرورت وجود یک نظم سیاسی و اجتماعی است. به اعتقاد حضرت علی (علیه‌السلام) ضرورتاً باید جامعه دارای یک حاکم و نظام سیاسی - نیکوکار یا ظالم - باشد تا شیرازه‌ی امور قوام گیرد و امنیت در جامعه حاکم شود و در سایه‌ی این امنیت و نظام اجتماعی منسجم، مؤمن کار خویش کند و کافر بهره‌ی خود برد. نکته‌ی مهم در اندیشه‌ی امام اینک امنیت فراملی و فرامذهبی است و یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای بشر به‌شمار می‌رود.

پنجم، مخالفت شدید اسلام با اصل پدیده‌ی ترور است. ترور از آنجا که یک پدیده‌ی ضداخلاقی و ضدانسانی است هیچ‌گاه در مقابله با دشمنان مورد تأیید یا مورد استفاده‌ی اولیه‌ی دین قرار نگرفت. اما باید توجه خود را در بحث تروریسم به‌ایاتی معطوف داشت که برای جان و مال و نیز آبروی انسان‌ها حرمت قایل است. این امر حکایت از آن دارد که نمی‌توان با حرکات تروریستی، جان، مال و آبروی انسان‌ها را به خطر انداخت، مگر آنکه در مورد خاصی اسلام اجازه ریختن خون کسی را داده باشد. برای نمونه، بر اساس‌ایه شریفه (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ) (اعراف: ۱۵۱)؛ (و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز به حق مکشید)، تمام نفوس انسان‌ها، اعم از شیعه و سنی و نیز مسلمان و غیر مسلمان، احترام دارد و تنها جایی که شارع مقدس استثنا کرده باشد، می‌توان در آن موارد محدود به قتل افراد اقدام ورزید. همچنین نباید غافل شد که در قرآن کریم، احکام سنگینی برای مفسد فی‌الارض و محارب، که جان و مال دیگران را در معرض خطر

قرار می‌دهند، بار شده است که همین امر نشان از آن دارد که اسلام همواره در صدد پرهیز از خشونت و تروریسم بوده است و عمل به احکام متعالی اسلام بستر مناسبی فراهم می‌سازد تا یک جامعه از فشار تروریسم رهایی یابد. خشونت فراتر از آنچه در قرآن و روایات آمده، روا نیست و به سادگی نمی‌توان جان و مال افراد را در معرض نابودی قرار داد. درایه شریفه (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا) (مائده: ۳۲)؛ (هر که کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر که کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است)، تنها قتل دو دسته از انسان‌ها جایز شمرده شده است: قتل نفس در مقابل نفس و قتل مفسد فی الارض. روشن است که قتل کسی که مرتکب این دو عمل نشده، قتلی نارواست و در حکم قتل جمیع افراد جامعه است. این‌ایه می‌تواند به خوبی نشان دهد که برخی عملیات‌های تروریستی، که به نام اسلام و قرآن صورت می‌پذیرد، مشروعیت ندارد و ناشی از برداشت انحرافی از آیات قرآن کریم است.

در متون و روایات اسلامی نیز، همواره از ترور به عنوان یک عمل زشت و مذموم یاد شده است. برای اولین بار در تاریخ اسلام، قریش یک نفر را برای ترور حضرت رسول اکرم (ص) در مکه مأمور کردند. ولی آن شخص هنگامی که با رسول گرامی اسلامی مواجه شد قدرت انجام هرگونه عمل از او سلب گردید و در نهایت به پیامبر اسلام (ص) ایمان آورد (مجلسی، ج ۱۸: ۴۶).

از مصادیق تاریخی نفی ترور در اسلام می‌توان به امتناع مسلم بن عقیل از ترور عبیدالله بن زیاد در منزل هانی بن عروه علی‌رغم قرار قبلی بین یاران امام در کوفه، اشاره کرد. ابوالصباح الکنانی به امام صادق علیه السلام گفت: در همسایگی ما مردی است به نام جعد بن عبدالله که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را سب و لعن می‌کند، آیا اجازه می‌دهی او

را ترور کنم و بکشم؟ حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «اسلام ترور را ممنوع کرده است، او را رها کن (همان، ج ۴۷: ۱۳۷)؛ این در حالی است که رسول اکرم علیه السلام فرموده بود: «هرکس علی را سب کرده است و هرکس مرا سب کند خدا را سب کرده است» (ابن عساکر، ۱۹۷۵: ۲۶۱).

گونه‌ها و روش‌های مقاومت

انسان‌ها در طول تاریخ و در سراسر جهان و در سایه‌ی نظام‌های سیاسی گوناگون به وسایل مختلفی برای حل و فصل نزاع‌ها و برخوردها و جنگ‌ها دست زده‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مقاومت مدنی (غیرنظامی)

به مفهوم توسل به انواع اقدامات غیرنظامی برای فلج کردن نیروهای دشمن و رویارویی با سلطه و اهداف آنها از طریق تظاهرات، تحصن، اعتصاب و تحریم اقتصادی با بهره‌گیری از حمایت افکار عمومی و انواع واکنش‌های اعتراض آمیز مردمی، این مقاومت گاه به سطح عصیان و نافرمانی عمومی اوج می‌یابد؛ به گونه‌ای که دولت اشغالگر از سوی مردمان مناطق اشغالی تحریم می‌شود. مردم از پرداخت مالیات به آن خودداری می‌ورزند، زندگی اجتماعی را مختل می‌سازند و با گردهمایی‌های همگانی، مخالفت خود را با حاکمان اشغالگر ابراز می‌دارند.

۲. مقاومت مسلحانه

این مقاومت در امتداد مقاومت مدنی و چهره‌ی تکامل یافته آن است که بیشتر ملت‌های استعمارزده و کسانی که میهنشان به اشغال بیگانه درآمده است به این شیوه روی می‌آورند. مقاومت مسلحانه برحسب عواملی چون ماهیت و ساختار جامعه، شرایط و اوضاع و احوال اشغالگری، امکانات مقاومت و عمق استراتژیک آن به اشکال مختلف پدیدار

می‌شود. مقاومت مردم لبنان، بدون شک، تجربه‌ای پیشگام در این زمینه است و برای نسل‌های آینده و جنبش‌های مقاومت در سراسر جهان نیز هم چنان سرچشمه‌ی الهام خواهد بود. انتفاضه‌ی ملت فلسطین نیز تجربه برجسته و چشم‌گیری از مقاومت مردمی است که اکنون در حال تحول و تکامل بخشیدن به شیوه‌های عملی و بهره‌گیری از تکنیک‌های مناسب و هماهنگ با شرایط سخت و دشواری است که با آن درگیر است. بی تردید هیچ جنبش مقاومتی نمی‌تواند ادامه یابد و پیروز شود، مگر آنکه اعضای آن آماده‌ی هرگونه فداکاری و جانبازی باشند، در برابر حوادث پایداری کنند، شکیبایی نامحدود داشته باشند، بتوانند بحران‌ها و چالش‌ها را تحمل کنند و از سر بگذرانند و از آن فراتر روند.

نتیجه‌گیری

مفهوم تروریسم همواره یکی از مسائل مهم و مطرح در اندیشه‌ی سیاسی بوده است. تا اینکه بعد از حادثه‌ی یازده سپتامبر و به دنبال حمله‌ی انتحاری و تروریستی گروهی از هواپیماهای مسافربری رבוته شده به برجهای دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک توجه به پدیده‌ی تروریسم در اولویت قرار گرفت و این موضوع به اصلی‌ترین بحث کنفرانس‌هایسیاسی و رسانه‌های گروهی جهان واقع شد. این حادثه‌ی تاریخی فراموش نشدنی، به عنوان نقطه‌ی عطفی در نظام بین‌الملل، مفهومی جدید و نگرشی نو به موضوع تروریسم بخشید. اکنون تروریسم نه تنها یکی از موضوعات مهم جامعه‌ی بین‌الملل و مسائل سیاسی روز است، بلکه به شکل اصلی درگیری مسلحانه در صحنه‌ی بین‌الملل تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که دیگر شکل ثانوی درگیری یا صرفاً یکی از ابزارهای درگیری مسلحانه تلقی نمی‌شود، بلکه خود شکل مستقلی از درگیری است که می‌توان آن را جایگزین جنگ‌های کلاسیک دانست.

بعد از ۱۱ سپتامبر مبارزه با تروریسم و حمله به گروه‌های تروریستی در جهان هدف اول آمریکا و دیگر کشورهای غربی اعلام شده و این کشورها برای رویارویی با این پدیده‌ی خطرناک، برنامه‌های ویژه‌ای را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده و ائتلاف‌های بین‌المللی را برای مبارزه با آن تشکیل داده‌اند. واز آنجا که عاملان و تروریستهای ۱۱ سپتامبر همگی مسلمان بودند؛ آمریکا و کشورهای غربی در راهبرد مبارزه با پدیده‌ی تروریسم با بهره‌گیری از رسانه‌های قدرتمندگروهی که عمدتاً تحت تأثیر محافل و شخصیت‌های یهودی قرار دارند، تلاش‌های خود را برای اثبات ماهیت تروریستی دین اسلام و دست داشتن مسلمان‌ها و از جمله اعراب در این حملات انتحاری مصروف داشته‌اند. در بیشتر تفاسیر و تحلیل‌های خود نیز جهاد اسلامی را مترادف با تروریسم معرفی می‌کنند؛ به گونه‌ای که بسیاری از غربی‌ها ضمن مرتبط دانستن تمدن اسلامی با تروریسم، اعتقاد دارند و چنین تبلیغ می‌کنند که تفکرات و اندیشه‌های اسلامی سر منشاء حوادث و رویدادهای تروریستی معاصر در جهان قرار دارد. لذا از منظر دینی و اسلام نیز بحث و تدقیق پیرامون این مسأله بسیار لازم و ضروری به نظر می‌رسد. چرا که با توجه به نکات یاد شده، نوک حمله‌ی اتهامات چنانکه ذکر شد، در حال حاضر متوجه اسلام و آموزه‌های آن است. از این رو، در این مقاله نخست موضوع تروریسم و تعریف و تحدید آن در نظر اندیشمندان مورد بحث قرار گرفته و سپس قدر مشترک تعاریف و تعبیر ارائه شده در چارچوب ویژگی‌ها و شاخص‌های تروریسم ارائه شده است. سپس تروریسم با این ممیزات از دیدگاه اسلام و به ویژه در آیات قرآن و احادیث و روایات و با عنایت به سیره و سنن رسول الله (ص) و ائمه (ع) مورد بررسی قرار گرفته و ضمن اعلام براءت اسلام از اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی که با نوعی قرائت متحجرانه و متعصبانه از اسلام ترور و اقدامات تروریستی را مجاز می‌شمارد، دفاع مشروع و مقاومت ملی یک قوم و ملت را از موضوع تروریسم جدا و مستثنی دانسته است.

منابع

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد. فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹.
۲. اکبر، علی. درسنامه تئوریهای انقلاب، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۶۶.
۳. انیس، ابراهیم و دیگران. المعجم الوسیط، ج ۱، چ دوم، بیروت، دارالامواج، ۱۴۱۰ ق.
۴. اسماعیل الغزال. الارهاب و القانون الدولی، بیروت، الموسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع.
۵. جمعی از دانشمندان. تفسیر نمونه، زیر نظارت الله مکارم شیرازی، چ ۱۶، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
۶. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۵، تهران، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
۷. زین الدین بن علی شهید ثانی. شرح لمعه، ج ۲، تهران، فرهنگ امروز، ۱۳۷۷.
۸. شریعت باقری، محمدجواد. «نگاهی اجمالی به کنوانسیون‌های بین‌المللی منطقه‌ای مقابله با تروریسم»، تهران، مؤلف، ۱۳۸۱.
۹. علامه مجلسی. بحار الانوار، ج ۵۱.
۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی. فقه سیاسی (حقوق بین‌الملل اسلام)، ج ۳، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۱۱. عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۱۲. محقق حلی. شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، ج ۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
۱۳. محمد عزیزی شکری. الارهاب الدولی، دراسه قانونیه نافده، دمشق، کلیه الحقوق، ۱۹۹۰.
۱۴. محمد بن جربن طبری. تاریخ طبری، بیروت، موسسه الاعلمی، بی تا.

۱۵. مجموعه مقالات تروریسم و حقوق بین‌الملل، مترجم ابوالفضل تقی‌پور، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۶.
۱۶. ولید عبدالرحیم. کتاب فکر فی تحدید الارهاب، بیروت، ص ۲۰۰.
۱۷. مصوبه شماره ۲۶/۵۸ بیانیه پایانی اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی، واگادوگو، ژوئن ۱۹۹۹، سایت اینترنتی سازمان کنفرانس اسلامی.
۱۸. فوزی، یحیی. اسلام و تروریسم، تروریسم و حقوق بین‌الملل، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۶.
۱۹. پیشگاه هادیان، حمید. تروریسم و منازعات مسلحانه، فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره ۴.
۲۰. میرفت دلال و دیوید مشعلاتی. تعیین و دسته‌بندی گروه‌های تروریستی، مترجم ابوالفضل تقی‌پور، تروریسم و حقوق بین‌الملل، ص ۴۰۷، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۶.
۲۱. معاهده سازمان کنفرانس اسلامی در مورد مبارزه با تروریسم، بورکینافاسو، ژوئن ۱۹۹۹، ماده اول، سایت اینترنتی سازمان: www.oic.org.
22. David C. Rapoport, Terrorism Encyclopedia of Government and Politics, (London, Routledge, 1992).
23. ↑ Wikipedia Contributors", "Assassination" Wikipedia, The Free Encyclopedia, [Http://En.Wikipedia.Org/W/Index.Php?Title=Assassination&Oldid=189211283](http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Assassination&oldid=189211283)).
24. Alex P. Schmid And Albert J. Jongman, Political Terrorism, (Amsterdam: Holland Publishing Company, 1998).
25. Alexander Yonah, International Terrorism, Regional And Global Perspectives, (Newyork: Praeger Publisher, 1976).
26. Paul Wilkinson, International Terrorism: New Risk To World Order, Pilemmas Of World Politics, (Newyork: Oxford University Press, 1992).
27. Paul Wilkinson, Terrorism and the Liberal State, 2nd ed. (London, Macmillan, 1986).

